

عنوان مقاله: جامعه پذیری سیاسی

نویسنده: محمد تقی ایمان

منبع: مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان «علوم انسانی» ۱۳۶۹

جلد سوم شماره ۱ و ۲

صص ۸۱-۹۶

چکیده

- جامعه‌شناسی در کسب معرفت پیرامون جامعه، سعی در مطالعه چگونگی شکل‌گیری رفتار اجتماعی انسان از طریق جامعه‌پذیری دارد. در فرایند جامعه‌پذیری شخصیت انسان‌ها تکوین می‌یابد و نقش‌های اجتماعی بر حسب مقتضیات مختلف در نظام اجتماعی ابقا می‌گردد. انطباق جامعه‌پذیری با آرمان‌ها، اهداف و هنجارهای اجتماعی می‌تواند بیانگر هماهنگی نهادهای اجتماعی و کنترل اجتماعی مورد نظر نظام اجتماعی باشد.

● در مطالعه پیرامون انتظام اجتماعی و یا کاهش بحران ها و تشنجات سیاسی که مد نظر کلیه سیستم های سیاسی در نظام های اجتماعی می باشد، تفحص پیرامون جامعه پذیری سیاسی ضرورت تام می یابد. به همین لحاظ این نوشتار در پی بررسی جامعه پذیری به صورت عام و جامعه پذیری سیاسی به صورت خاص می باشد، تا چگونگی به کارگیری ملاک های تکوین شخصیت، تربیت، هماهنگی نهادها، کنترل اجتماعی و تثبیت و مشروعیت اقتدار حاکمیت های سیاسی روشنتر گردد.

**بررسی جامعه پذیری به صورت عام و جامعه پذیری
سیاسی به صورت خاص**

مقدمه



آگوست کنت

• جامعه شناسی، به عنوان علمی که زمان زیادی از عمر آن نمی گذرد و اکثر اندیشمندان طرح آن را رسماً به آگوست کنت (۱۷۹۷-۱۸۵۷) منتسب می کنند. محور بحث خود را کسب معرفت پیرامون جامعه می داند. جامعه عبارت است از گروهی از مردم که افراد در گذر زمان در قلمرو آن به کنش متقابل و نظم گروهی دست می یابند. جامعه شناسی تمایل دارد روابط گروهی و اجتماعی انسان ها را مورد مطالعه قرار دهد. بدین ترتیب محور بحث جامعه شناسی بررسی کنش متقابل بین گروه ها و داخل گروه های انسانی و یا به طور مشخص رفتار انسان ها در زمینه اجتماعی می باشد.

- کنش های متقابل بین انسان ها که در اصل منتج از قوانین رسمی و غیر رسمی و یا هنجارهای اجتماعی می باشند. به نوعی روابط اجتماعی که مبین رفتارهای اجتماعی انسان ها است را تداعی می کنند. به همین لحاظ رفتار اجتماعی فرد از ان جهت مورد توجه جامعه شناسان قرار می گیرد که در کنش متقابل اجتماعی به منصف ظهور می رسد.

قوانین رسمی و غیر رسمی



نگرش و شخصیت سیاسی افراد

• انسان ها در زندگی اجتماعی خویش در فرایند کنش متقابل با یکدیگر به سر می برند و بر همین اساس چگونگی زیستن در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در جامعه می آموزند و به آن عمل می کنند. از طرفی در این فرایند رفتاری انسان ها دارای نگرش و شخصیت می شوند. نگرش و شخصیت سیاسی افراد نیز در این راستا تکوین یافته و سازماندهی می گردد. این فرایند را اجتماعی شدن یا جامعه پذیری انسان ها در نظام اجتماعی می نامند که در ابعاد سیاسی جامعه پذیری سیاسی می باشد.

• در این مقاله سعی بر این است که به طور کلی چگونگی جامعه پذیری و به طور اخص جامعه پذیری سیاسی را مورد مطالعه قرار دهیم. ضرورت و اهمیت این بحث در این است که اگر جامعه پذیری انسان ها به نحو مناسب و منطبق با هنجارهای اجتماعی در نظام اجتماعی صورت نگیرد، شاهد عدم یگانگی شخصیت در انسان ها و نهایتاً بی سازمانی اجتماعی خواهیم بود که نتیجه این وضعیت را می توان در تنش های روانی بین انسان ها، عدم کنترل مناسب اجتماعی، افزایش بزهکاریها، بحران های سیاسی و ... مشاهده نمود.

• از طرفی اگر نظام اجتماعی در طول حیات خویش شاهد تشنجات مکرر سیاسی باشد، تحقق آرمان های آن نظام که باید به دست حاکمان در طول زمان عملی گردد. خالی از اشکال نخواهد بود. بنابراین آنچه در این رابطه باید عمیقا مد نظر قرار گیرد. چگونگی جامعه پذیری سیاسی و یا به عبارتی، شکل گیری شخصیت و یا تربیت سیاسی افراد به عنوان ضامن عدم تشنجات سیاسی در نظام اجتماعی می باشد.

**شکل گیری شخصیت و
یا تربیت سیاسی**

جامعه پذیری

- جامعه پذیری فرایندی است که در طی آن انسان با هنجار اجتماعی به همسازی می رسد. هنجار اجتماعی رفتار اجتماعی معینی است مبتنی بر ارزش اجتماعی و ارزش اجتماعی در قالب اهداف اجتماعی به هر نمودی گویند که کم و بیش مورد اعتنای جامعه باشد.

	هنجار اجتماعی

- هر یک از اعضای جدید جامعه به حکم جامعه پذیری جهت همسازی با نظام اجتماعی و ایفای نقش مورد پسند جامعه، رفتار خود را منطبق بر مقتضیات نظام اجتماعی جلوه یم دهد. بنابراین اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن فرد دانش و مهارت لازم اجتماعی را برای مشارکت موثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب می کند.

- فرد در جریان جامعه پذیری به واسطه تماس متقابل با دیگران از یک طرف نقش هایی را که تعیین کننده رفتار اجتماعی او است و با پایگاه اجتماعی وی در گروه های اجتماعی انطباق دارد به عهده می گیرد و از طرف دیگر باعث تکوین شخصیت خویش می گردند بدین ترتیب شخصیت تابعی است از نقش های مختلفی که فرد در جهت همسازی خویش با نظام اجتماعی و یا به صورت مشخص با گروه هایی که بدان ها می پیوندند می پذیرد و همچنین نحوه ارتباط این نقش ها با یکدیگر می باشد.

همسازی خویش با نظام اجتماعی

- افراد در فرایند ایفای نقش مرتبا تحت تاثیر نحوه تعبیر خود از گرایشات و طرز تلقی دیگران قرار دارند. کولی این فرایند را در رابطه با کودکان به **سه عنصر** تجزیه نمود و برای آن اصطلاح مناسب «**خویشتن آینه گون**» را وضع نمود.

- ۱- پنداری که شخص از جلوه و «نمود» خود نزد سایر اشخاص دارد.
- ۲- پندار شخص از قضاوتی که سایرین درباره آن «نمود» و جلوه دارند.
- ۳- احساس شخص به خودش، از قبیل حس افتخاری یا خواری

• تصورات کلی که افراد و گروه های مختلف جامعه در مورد رفتاری که مقتضی فلان وضعیت است دارند. چشم داشت های اجتماعی می باشند. چشم داشت های اجتماعی مشتمل بر هنجارهای گروهی ، شیوه های قومی، رسوم اخلاقی، رفتارهای مورد پسند جامعه و غیره می باشند. اگر چه ممکن است چشم داشت های اجتماعی با خاوست های فردی همساز نبوده و باعث بروز تعارضاتی در نظام اجتماعی گردد، ولی بر اساس جامعه پذیری می توان به طور نسبی همسازی را افزایش داده تا تعارضات کاهش یابد.

چشم داشت های اجتماعی

- مسئولیت و یا نمایندگی جامعه پذیری در هر نظام اجتماعی به عهده نهادهای اجتماعی می باشد. اصطلاح نهاد به هر اعتقاد، ارزش، مفهوم سازمان یا پدیده ای اطلاق می شود که طی شرایط و فراگردهای تاریخی با مجموعه هدف ها، کنش ها و کارکردهای معین مشخص گردیده است..

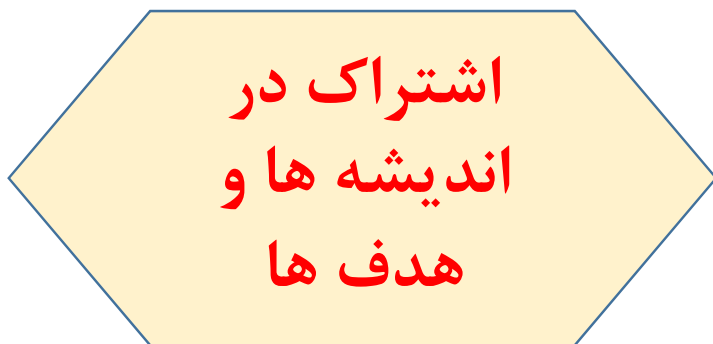
**مسئولیت و یا نمایندگی جامعه
پذیری**



- به طور کلی نهاد را معمولاً بخش یا نظامی از ارزش‌ها شیوه‌های قومی، آداب و رسوم و قوانین می‌دانند که نقش آن استقرار رفتارهای مناسب برای ایفای کارکردهای اساسی در یک جامعه است و یا به عبارتی نهاد عبارت است از نظام سازمان یافته‌ای از روابط اجتماعی که در برگیرنده برخی از ارزش‌ها و فرایندهای مشترک است و برای پاسخ‌گویی به برخی از نیازهای اساسی جامعه به وجود آمده است

استقرار رفتارهای مناسب

- در این تعریف ارزش های مشترک با اشتراک در اندیشه ها و هدف ها در رابطه است. فرایندهای مشترک الگوی رفتاری استاندارد شده هستند که گروه آنها را تعقیب می کند و نظام روابط عبارت است از شبکه نقش ها و پایگاه هایی که از طریق آنها رفتار صورت می گیرد.



- بر اساس تعاریفی که از نهادهای اجتماعی و فرایند جامعه پذیری به عمل آمد. در می یابیم که آنچه در فرایند جامعه پذیری دنبال می شود همسازی فرد با هنجارها و یا روابط اجتماعی است که اساس نهاد های اجتماعی بشمار می آیند. بنابراین افراد در قالب نهادهای اجتماعی فرایند جامعه پذیری خود را دنبال می نمایند.

• بر این اساس نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، آموزش و پرورش، مذهب، حکومت، اقتصاد، تفریحات و ...- که به نحوی نیازهای اصلی، همیشگی، پایدار و همچنین نیازهای فرعی انسان ها را در طول زمان رفع می نمایند- موجب رفتارهای نهادی نیز در انسان ها می شوند. منظور از رفتارهای نهادی وارد نمودن هنجارها و ارزش اجتماعی در رفتارهای انسان ها می باشد که آن را اصطلاحاً نهادی گردانیدن نیز می نامند.

**وارد نمودن هنجارها و ارزش
اجتماعی در رفتارهای انسان ها**

- نهاد گردانیدن فرایندی است که انسان را از آغاز زندگی در بر می گیرد و نیروهای او را در مسیرهای مجاز و مختار جامعه سمت داده و هنجارهای اجتماعی را متحقق می سازد که در این حقیقت همان فرایند جامعه پذیری انسان ها در نظام اجتماعی می باشد.

مسیرهای مجاز و مختار جامعه

جامعه پذیری سیاسی

- جامعه پذیری سیاسی انسان ها در واقع زیرمجموعه یا شاخه ای از جامعه پذیری آنها در نظام اجتماعی می باشد. در فرایند جامعه پذیری سیاسی، افراد با سیستم سیاسی در نظام اجتماعی آشنا می شوند و عکس العمل خویش را در مقابل پدیده های سیاسی تعیین می کنند.

	عکس العمل

- جامعه پذیری سیاسی اتصال سیستم سیاسی و اجتماعی را به عهده دارد که چگونگی ایفای آن در جوامع مختلف متفاوت است. از نظر سیاسی فرایند جامعه پذیری سیاسی بدین لحاظ اهمیت دارد که افراد در درجات متفاوتی نسبت به سیستم سیاسی و مشارکت در آن مقید می گردند. تقید و مشارکت مردم در سیستم سیاسی حاکم می تواند ضامن بقای آن گردد.



- بنابراین سیستم سیاسی حاکم در نظام اجتماعی باید در جهت حفظ و بقای خویش افراد را متعلق بر هنجارهایی که آن سیستم سیاسی تبلیغ می کند، جامعه پذیر نماید. جهت روشن شدن جامعه پذیری سیاسی لازم است با مفهوم سیاست نیز آشنا شد تا در می یابیم که سیستم سیاسی در هر نظام اجتماعی به دنبال چه چیزی می باشد؟

- علم سیاست در نظر گاه گارنر با دولت آغاز می شود و با آن نیز تمام می شود. کریک اعتقاد دارد که موضوع سیاست، دولت است و در حقیقت مجموعه فعالیت هایی است که در جهت انتظام در نظام اجتماعی صورت می گیرد.



ماکس وبر

• ماکس وبر در مقاله «سیاست به مثابه یک حرفه معتقد است که سیاست به معنای کوشش در کسب قدرت با کوشش برای نفوذ در تحصیل قدرت درمان دولت ها با در میان گروه ها در یک دولت است و دولت را نیز گروه بندی سیاسی جدیدی می داند که به کارگیری زور را در سرزمین معینی حق قانونی خود می داند.

گروه بندی سیاسی



هارولد لاسول

• لاسول که به صورت مشخص درباره ماهیت سیاست اظهار نظر می نماید اعتقاد دارد که سیاست علمی است که به ما می آموزد چه کسی می برد چرا می برد چه موقع می برد و چگونه می برد.

•



VectorStock

VectorStock.com/18431623

- بر اساس تعاریف سیاست در نظرگاه اندیشمندان مختلف در می یابیم که سیاست به نوعی با اعمال قدرت نیاز است یا به عبارتی سیاست عمل یا رفتاری است که انسان ها تمایل دارند بر اساس آن اراده خویش را علی رغم مقاومت دیگران به آنها تحمیل نمایند. به صورت کلی می توان بیان نمود که سیاست رابطه ویژه ای است از یکسو میان افراد و از سوی دیگر میان افراد و گروه ها که صرف نظر از هدف نهایی آن، در آن، **درجه ای از عناصر قدرت، زور یا سلطه با اهداف غیر شخصی** و به نام جامعه حاکم باشد

- در اکثر مواقع که درباره سیاست بحث می شود مفهوم دولت تداعی می گردد. این امر بدان علت است که، دولت و یا به عبارت مشخص تر سیستم سیاسی حاکم به دنبال تحمیل اراده خویش بر افراد در نظام اجتماعی می باشد. اراده دولت در قالب دستورالعمل ها یا قوانین اجتماعی که برای حفظ بقا و یا استمرار نظام اجتماعی منطبق با آرمان های خویش وضع می نماید، در جامعه جاری می گردد.

- دولت تمایل دارد که افراد در نظام اجتماعی بر اساس این مقررات و یا هنجارها جامعه پذیر گردند، یا به عبارتی گرایشات و ارزش های سیاسی مد نظر حاکمیت در افراد نهادی گردد. چون همانگونه که آلمون نیز معتقد است، گرایشات و ارزش های سیاسی در فرایند جامعه پذیری سیاسی در افراد نهادی می گردد و بر اساس آن به ایفای نقش می پردازند.

گرایشات و ارزش های سیاسی مد نظر حاکمیت

بر اساس چگونه رابطه بین جامعه پذیری و نهادهای اجتماعی که مورد بحث قرار گرفت، مقررات و قوانین سیستم سیاسی حاکم به صورت سازمان یافته در قاب نهادهای اجتماعی در نظام اجتماعی جاری می گردد. بنابراین نظام سیاسی حاکم جهت نهادی شدن مقررات، گرایشات و ارزشهای مد نظر خویش در جامعه باید نهادهای اجتماعی، به خصوص نهادهای نخستین را به گونه ای سازمان بندی نماید که اهداف آن نظام سیاسی را متحقق سازند. چون نهادهای اجتماعی از یک طرف مسئولیت تکوین شخصیت افراد در نظام اجتماعی را به عهده درند و از طرف دیگر کنترل اجتماعی در هر نظام اجتماعی به عهده نهادهای اجتماعی می باشد.

- بنابراین شرط اساسی در اعمال اراده و تثبیت اقتدار حاکمیت سیاسی در هر نظام اجتماعی جامعه پذیری سیاسی افراد در راستای مقررات و ارزش های مد نظر آن حاکمیت سیاسی می باشد.



**اعمال اراده و
تثبیت اقتدار**

- به طور مثال در این رابطه می توان به چگونگی تاثیر رفتارهای سیاسی شخصیت های محافظه کار، لیبرال، رادیکال و ... در نظام های اجتماعی مختلف اشاره نمود. در جهت آشنایی با شخصیت های متفاوت سیاسی لازم است، نظر تعدادی از اندیشمندان را مرور نماییم.



اریک فروم

- فروم از شخصیت ماشینی شده به عنوان شخصی که احساس فردی خود را از طریق انطباق با ارزش های جمعی از دست می دهد، صحبت می کند.
- لاسول از شخصیت های آشوبگر سیاسی، به عنوان کسی که در مواردی از برخوردهای شخصی مهارت داشته و محرک احساسات سیاسی است، مدیر سیاسی به عنوان کسی که در زیر نفوذ قرار دادن سازمان ها و موفقیت ها مهارت دارد. تئوریسین های سیاسی، به عنوان کسی که در تحت نفوذ قرار دادن عقاید عامه تبحر دارد و بوروکرات، به عنوان فردی که بیش از حد بر قوانین و سازمان تاکید دارد نام می برد.



آدورنو

• اندیشمند دیگری که به صورت مشخص پیرامون شخصیت سیاسی به بحث می پردازد آدورنو می باشد. او در کتاب شخصیت اقتدار گرا به بحث پیرامون شخصیت های سیاسی می پردازد که تعدادی از شخصیت های به نظر او به شرح ذیل می باشد:

- ۱- شخصیت هایی که گرایش قالب در آنها به سوی انقیادپذیری است
- ۲- شخصیت هایی که گرایش غالب در آنها به سوی برتری طلبی است
- ۳- شخصیت هایی که حساس به روابط قدرت می باشند
- ۴- شخصیت هایی که تمایل به درک جهان در ساخت سنتی آن دارند.
- ۵- شخصیت هایی که تمایل به تصورات کلیشه ای دارند
- ۶- شخصیت هایی که تمایل به خرافات دارند
- ۷- شخصیت هایی که دید بدبینانه نسبت به طبیعت انسان دارند
- قابل ذکر است که اگر شخصیت های سیاسی در نظر گاه اندیشمندان بیشتر در دیدگاه نظری مطرح اند تا تجربی و تحقیقی.

گسترش جامعه پذیری سیاسی

- جهت آشنایی با چگونگی گسترش جامعه پذیری سیاسی و عوامل موثر در آن لازم است تحقیقات انجام شده را مرور نمائیم.
- استوان و همکاران در مطالعاتی پیرامون درک سیاسی کودکان به این نتیجه رسیده اند که گرایشات سیاسی موجب افزایش سن زیادتیر می شود و مرتبا با زمینه های متفاوتی که افراد در آنها قرار دارند، محقق می گردند. آنها همچنین ادعا می کنند که یادگیری از ۳ سالگی شروع می شود و تا ۷ سالگی تکمیل می گردد.

$$\frac{7}{3}$$

- استوان و هس بر اساس تحقیقاتی که انجام داده اند، ادعا دارند که کودکان آمریکایی در سن ۷ یا ۸ سالگی خودشان را به لحاظ ذهنی در یکی از دو حزب بزرگ کشور می یابند.
- استوان و جک طی تحقیقاتی مراحل گسترش جامعه پذیری سیاسی در کودکان را به شرح ذیل بیان می دارند.

- ۱- تشخیص اقتدار از طریق اشخاص خاص مانند والدین کودک ف رییس جمهور و پلیس
- ۲- تمایز بین اقتدار خارجی و داخلی مانند تمایز بین اقتدار شخصی و عمومی
- ۳- تشخیص نهادهای غیر شخصی سیاسی مانند کنگره، انتخابات و دیوان عالی.
- ۴- تمایز بین نهادهای سیاسی و اشخاصی که درگیر فعالیت های مربوط به نهادها بوده و سعی دارند که **تصورات ایده آلی** از اشخاص خاصی مانند رییس جمهور یا یک نماینده به دست دهند.

• از نظر استوان و دنيس گسترش جامعه پذيری سياسی در رابطه با ضريب هوشی و موفقیت اجتماعی- اقتصادی افراد می باشد. همچنين اين اندیشمندان معتقدند که خانواده یکی از مهم ترین کارگزاران در جامعه پذيری سياسی می باشد.

• لان معتقد است که خانواده به عنوان یکی از نهادهای نخستین می تواند به سه طریق ذیل عقاید سیاسی فرزند را تحت الشعاع خویش قرار داده و باعث گسترش آن شود:

• ۱- از طریق اعمال اصولی که خانواده دنبال می کند

• ۲- از طریق تعیین جایگاه کودک در زمینه اجتماعی خاص

• ۳- از طریق قالب سازی شخصیت کودکان.



- یکی از متغیرهای مهم دیگری که در تبیین رفتار سیاسی افراد مد نظر قرار می گیرد و نقش مهمی در گسترش جامعه پذیری سیاسی افراد ایفا می کند، آموزش و پرورش می باشد. از ظنر ماکس وبر آموزش و پرورش در هر نظام اجتماعی روابط متقابلی با کنش های سیاسی اقتصادی و نظام قشر بندی اجتماعی دارد.
- تحقیقی که توسط زیبلات صورت گرفته است نیز دلالت بر این امر دارد که رابطه مستقیمی بین میزان گرایش به طرف سیاست و میزان فعالیت های تحصیلی وجود دارد.

- عامل مهمی دیگری که در فرایند جامعه پذیری سیاسی یا القانگرش های سیاسی نقش مهمی ایفا می کند، مذهب می باشد. **آپنر** معتقد است که در کشورهای در حال توسعه، در بسیاری از موارد خاص تغییر در خط مشی و یا نگرش های سیاسی نیازمند تغییر در مذهب می باشد.

- بنابراین در فرایند جامعه پذیری سیاسی نهادهای نخستین از قبیل، خانواده، آموزش و پرورش و مذهب نقش بسیار مهمی را ایفا می نمایند و سهم زیادی در تعیین شکل گیری شخصیت، گرایش و رفتار سیاسی افراد در نظام را به خود اختصاص می دهند. این امر گویای نقش پر اهمیت این نهادها در کنترل اجتماعی و تثبیت اقتدار حاکمیت سیاسی نیز می باشد.

کنترل اجتماعی و تثبیت اقتدار حاکمیت سیاسی

خلاصه و نتیجه گیری

- جامعه شناسی به عنوان علم که پیرامون جامعه به کسب معرفت می پردازد، معنی دارد، رفتار انسان را در زمینه اجتماعی مورد مطالعه قرار دهد. در این راستا رفتار اجتماعی افراد که در ارتباط متقابل با یکدیگر بروز می کند، محور بحث جامعه شناسی می باشد.
- رفتار اجتماعی افراد که در یک فرایند و بر مبنای روابط اجتماعی را در قالب نهادهای اجتماعی شکل می گیرد را اصطلاحاً جامعه پذیری میگویند. در فرایند جامعه پذیری چگونگی تکوین شخصیت و ایفای نقش انسان ها بر اساس **مقتضیات متفاوت در نظام های اجتماعی** مختلف تعیین می گردد.



- نهادهای اجتماعی در ارتباط هماهنگ و سازمان یافته با یکدیگر می توانند جامعه پذیری افراد و کنترل اجتماعی متناسب با نظام اجتماعی را تضمین نمایند.
- جامعه پذیری سیاسی نیز فرایندی است که در طی آن شخصیت، تربیت و رفتار سیاسی انسان ها شکل می گیرد. از آن جا که هسته اصلی سیاست قدرت می باشد، در سطح فردی شاهد تحمیل اراده افراد بر یکدیگر علی رغم مقاومتی که وجود دارد، هستیم

• و در سطح نظام اجتماعی نیز حاکمیت سیاسی سعی دارد مبتنی بر جریان جامعه پذیری سیاسی مقررات، ارزش ها و گرایشات سیاسی دلخواه خویش را در افراد و گروه های اجتماعی نهادی کند، تا از تشنجات و بحران های سیاسی که به نوعی از انتظام اجتماعی را دستخوش تغییر نموده و مانع تحقق اهداف سیستم سیاسی در جامعه می شوند، جلوگیری نمایند. البته آنچه که در این راستا اهمیت دارد، میزان سعی و تلاش حاکمیت های سیاسی در هر نظام اجتماعی در رابطه با سازمان بندی و هماهنگی نهادهای اجتماعی بر اساس مقررات و هنجارهای خویش می باشد.

تحقق اهداف سیستم سیاسی

- بنابراین جامعه پذیری سیاسی گویای این مطلب می باشد که اگر حاکمیت های سیاسی بتوانند در یک فرایند و بر مبنای نهادهای اجتماعی، رفتارهای سیاسی افراد در نظام اجتماعی را در مسیری متناسب با آرمان های خویش سوق دهند، امکان دوری جستن از تشنجات و بحران های سیاسی و بالطبع مشروعیت اقتدار برای آنها محفوظ می ماند.

- بر این اساس می توان جامعه پذیری سیاسی را به عنوان شاخص مهم و اساس در سنجش درجه تثبیت اقتدار سیاسی حاکمیت و نهایتاً تحولات سیاسی در نظر گرفت. از طرف دیگر حاکمیت های سیاسی باید سعی نمایند در جهت اعمال تغییرات متفاوتی که برای نظام اجتماعی لازم می دانند، برحسب مقتضیات نظام اجتماعی، زمینه این تغییرات را در نهادهای اجتماعی فراهم نماید تا جامعه پذیری سیاسی افراد بر حسب این تغییرات **تسریع گردیده** و باعث تشنجات سیاسی نگردد.